

هم امنیتی است تا ضمن حفظ جریان صادرات نفت به اروپا، از جنگ‌ها و بحران‌های داخلی در این منطقه جلوگیری کرده و هم‌چنین تبعات ناامنی از جمله مسئله‌ی مهاجرت از خاورمیانه به اروپا و تروریسم را کنترل کند. نگاه ژاپن و چین به منطقه خلیج فارس نیز بیشتر اقتصادی و تأمین امنیت انرژی بوده است؛ هرچند که به نظر می‌رسد چین در بلندمدت نگاه استراتژیکی و امنیتی نیز به خلیج فارس دارد و دنبال گسترش نفوذ در این منطقه و خاورمیانه است. «نیازهای انرژی چین با تقاضای تکنولوژی و کالاهای تولیدی کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس ترکیب شده است و این مسئله باعث شده این منطقه جزو اولویت‌های اصلی سیاست خارجی چین بشود.» (Ziegler, 2006, p. 9) در مورد روسیه هم باید گفت که این کشور در سال‌های اخیر با رویکرد استراتژیکی به دنبال جای پای محکمی در خاورمیانه و خلیج فارس باهدف بالا بردن قدرت چانه‌زنی خود در مقابل آمریکا است. (نمودار ۲ و ۳)

در مواجهه با مسئله‌ی دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای در خلیج فارس، جمهوری اسلامی ایران، آمریکا را عامل ناامنی در منطقه در نظر گرفته و هدف این دولت را ایجاد تفرقه در جهان اسلام، غارت منابع این کشورها و حمایت از اسرائیل در مقابل جهان اسلام معرفی کرده است. درحالی‌که کشورهای عربی خلیج فارس، دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای به‌خصوص آمریکا را در منطقه به‌عنوان اهرم موازنه‌ساز در مقابله با نفوذ منطقه‌ای ایران در نظر گرفته‌اند. رویکردهای متضاد ایران با دیگر کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس در خصوص مسئله‌ی دخالت قدرت‌های خارجی در این منطقه، به‌عنوان یکی از موانع جدی همگرایی منطقه‌ای در خلیج فارس به‌حساب می‌آید و تا زمانی که این کشورها به دیدگاه مشترکی در این خصوص دست نیافتند، دخالت قدرت‌های خارجی مانع ثبات در منطقه خواهد شد. سوءظن و بی‌اعتمادی بین کشورهای منطقه خلیج فارس باعث شده تا قدرت‌های فرامنطقه‌ای به‌خصوص آمریکا و روسیه از این فرصت برای فروش تسلیحات گوناگون به این منطقه استفاده کنند. قراردادهای کلان فروش سلاح به کشورهای این منطقه توسط آمریکا تنها به یک